

شهروندی (LA CITOYENNETÉ)

ترجمه: سید محمد مهدی غمامی

که جامع کلیه شرایط ضروری برای شرکت در اداره امور سیاسی (مستقیم یا غیر مستقیم) در چارچوب شهر برای شهروندان باشد.

مشارکت در حاکمیت ملی

عبارت شهروندی، از حاکمیت حکومت ملی حکایت دارد. این مفهوم، با قصد بدست گیری منابع سیاسی بوسیله ملت، تأسیس شده است. این اصل، بر تمام حاکمیت سایه افکنده و منشأ اقتدار سیاسی مشروع (قانونی) است. و نتیجه این است که تنها اعضای مجموعه ملت می توانند امانت دار ذره، ذره ی حاکمیت باشند و بدین معنا شهروند سیاسی باشند.

این نظریه بر اساس جدایی بین ملت و خارجیان است. حق رأی، حق انتخاب شدن و البته حقوق متفاوت شهروندی

(تشکیل انجمنها، جلسات، بیان نظرات، اعتراض و تظاهرات و...) که در مفهوم حاکمیت ضروری است تنها برای ملت اندیشیده شده است، به همین صورت ورود در نظام عمومی سیاسی (از بالا ترین مقام تا هر زیر مجموعه سیاسی) تنها حق ملت است.

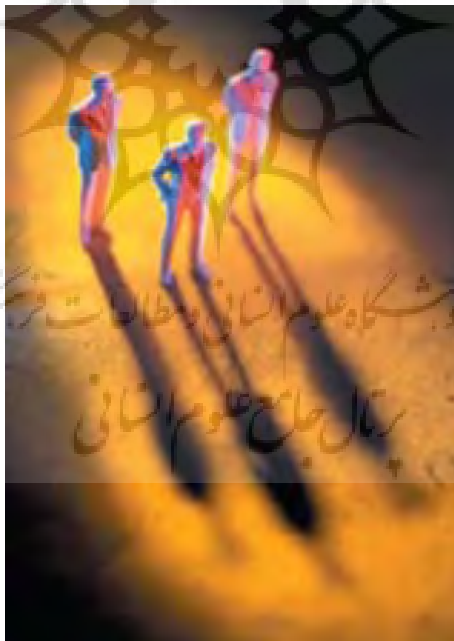
ملیت، شرط ضروری اما غیرکافی

همه ملل، بطور کامل به معنای واقعی شهروندی نرسیده اند. سالها ملتها بودند و دولتها بر آنها حکومت می کردند و اساساً اغلب هم برای نظر ملت ارزشی قائل نبودند.

حق متفاوت شرکت در انتخابات، میان شهروندان منفعلی که حق انتخاب کردن نداشتند و شهروندان فعال که حق انتخاب کردن داشتند، تفاوت می گذاشت. این تبعیض بواسطه بعضی صلاحیتهای اجتماعی تعیین می شد. وضعیتهای مربوط به جامعه، حقوق سیاسی بعضی از

شهروندی (La citoyenneté) ابتدائاً با ریشه شناسی « شهروندی »، در پی آن خواهیم شد تا جایگاه آن را در نظام حقوقی- سیاسی امروز پیدا کنیم. شهروند از کلمه (Cité) مشتق می شود که لاتین آن (Civitas) است. Civitas در زبان لاتین بی شباهت به کلمه Police در زبان یونانی نیست که به هر حال می شود. شهر (Cité) صرفاً به معنای مجموعه ای از ساکنین نیست بلکه می تواند یک عنوان معنا دار برای یک واحد سیاسی مستقل باشد.

در روم باستان عنوان شهروندی تنها بر مردان طبقه خاصی از پایتخت صدق می کرد و این برداشت سالها بر بسیاری از حکومتها که جلوه ای از مردمی بودن را



داشتند حاکم بود. قرن هفده ام، زمان بروز معنای ملیت و دموکراسی، انقلاب فرانسه با مطرح کردن برابری سیاسی و اجتماعی، و تضمین حقوق اجتماعی و آزادی، معنای نوین شهروندی را ارائه کرد. در گذر زمان اگر چه صعود و نزولها و افراط و تفریطهای بسیار دیده می شود ولی ایده همان است. شهروندی آن است

گروه‌های ملت را تضييع می‌کرد. بطور مثال خدمه صلاحیت انتخاب شدن را نداشتند و افراد آزاد که نسبت معمولی نداشتند حق اعتراض سیاسی نداشتند و ۰۰۰

در فرانسه، امروزه، همه افراد ملت، به شهروندی فعال و تام در ۱۸ سالگی می‌رسند. تنها محرومیت از حقوق مدنی می‌تواند تأثیر مستقیم بر روی حقوق سیاسی بگذارد. در حقوق اگرچه همه شهروندان می‌بایست رأی دهنده باشند اما در صورت کوتاهی از این تعهد مجازات نمی‌شوند.

ثبت نام در لیست انتخاباتی و شرکت در رأی‌گیری یک عمل ارادی است معهداً بطور محدود، این اراده‌ها کنترل‌هایی را بواسطه اخلاق دموکراتیک، نهادینه ساخته‌اند.

روند ضعیف اجتماعی سازی عنصر بسیار مهمی در کمرنگ ساختن معنای «شهروندی» است که امکان عرضه حقوق سیاسی را در قالب شهروندی را، کاهش می‌دهد و حتی به تبعیض‌هایی در شمول این عنوان می‌انجامد. گسترش عظیم فقر، بی‌سوادی، تمام اشکال حاشیه‌نشینی و طرد اجتماعی، این نابرابری‌ها را گسترش می‌دهد و برای بخش قابل توجهی از مردم، خصیصه عضو جامعه سیاسی شدن را از هر معنای واقعی، خالی می‌کند.

معیارهای اجتماعی شهروندی:

«انسانها آزاد و با حقوق برابر متولد می‌شوند و زندگی می‌کنند و تفاوت‌های اجتماعی نمی‌تواند پایه و اساس قرار داده شوند مگر در استفاده عمومی» (۱)

شهروندی سیاسی، خصیصه غیرقابل سلب و جدایی‌ناپذیری است که در از آزادی و برابری ریشه دارد.

شهروندی، در حقیقت با امتیازهای داده شده به یک گروه خاص اجتماعی در تضاد است و بر پایه برابری حقوق و تکالیف اعضای جامعه سیاسی استوار شده است. این اصل، در ابتدا بوسیله آزادی مدنی (حق مالکیت، حق تردد و ۰۰۰) تأمین شده و با ظهور دولت مردمی به حقوق سیاسی، اقتصادی و اجتماعی گسترش داده شده است.

شهروند تنها یک فرد رأی دهنده نیست بلکه یک عضو سیاسی- اجتماعی جامعه است. از یک طرف حق اعتراض و کمک به حکومت را دارد و از طرف دیگر وی دخیل در تصمیم‌گیری در حوزه‌های مختلف علاوه بر سیاست است. شرکت در فعالیت

های جامعه مدنی، شوراهای مردمی، شوراهای حل اختلاف، شوراهای محلی و مذهبی و ۰۰۰ به نحو مؤثر در یکپارچه سازی اجتماعی و تبدیل کردن هر فرد به شهروند فعال دخالت دارد.

شهروندی، اهلیتی است که شهروند را در برنامه ریزی سیاسی، اجتماعی و اقتصادی لایق معرفی می‌کند. و نمی‌توان شهروندی را به یک فعالیت اجتماعی روشن و انحصاری در محدوده تصدیق هویت اجتماعی اشخاص و منافع گروهی، پایین آورد.

امروز شهری وجود ندارد که اهرمی را حتی بسیار کوچک در ابعاد مختلف جامعه بدست نداشته باشد، پس به هر حال شهروندی واقعیتی است انکارناپذیر که رو به گریز ناپذیر بودن در حال حرکت است. در دنیای حق و تکلیف توأمان، شهروندی نیز واقعیتی است که نباید در کنار حق بودنش، از تعهدهایی که می‌آورد چشم پوشاند. تعهد به صداقت در مقابل جامعه سیاسی و اجتماعی و تکلیف به ترجیح دادن نفع جامعه به نفع متعدد افراد، اگر کمرنگ شود موجبات تضعیف و حتی نابودی این مفهوم را در پی خواهد داشت. دنیای غرب از عناصر مهم سازنده مفهوم شهروندی فرد *individu* را معرفی می‌کند ولی امروز صراحتاً اعلام می‌کند که ارتباط فرد و جامعه را تعهد فرد به جامعه می‌سازد، جیسگارد دستاویز در کتاب معروف خود بنام *دموکراسی فرانسو (۲)*، ویژگی اصلی انسان آزاد را تعهد و مسئولیت می‌داند.

ارجاعات:

- 1 - Robert Pellonx , Le Citoyen devant L'Etat , Prens universitaire de France . 1955
- 2 - Fred Constant , La Citoyenneté , Clefs (politique) , 1998

منابع:

- 1 . “ Declarovyon des droit de l' Homme et du citoyen “ du 26 août 1189
- 2 . V. Giscard d' Estaing , Democ ratie Frounçaise , Fayard , 1976

جمهوری اسلامی آری، جمهوری اسلام نه و ...

«به مناسبت ۱۲ فروردین»
حامد صفری ریزی

با آغاز طلیعه انقلاب، امام خمینی (ره) که وقوع پیروزی نهایی نهضت اسلامی را نزدیک می‌دیدند، و با بروز پرسشهایی اولیه در مورد غایت نهضت اسلامی، از الفاظی تازه نام بردند که شاید در دیدگاه غیرایرانیان و حتی برخی ایرانیان ناشناخته بود. چنانچه عده‌ای معتقدند، ایرانیان که تجربه تلخ مشروطه مشروعه را چشیده و پایان نهضتی را که در بدایت با تکیه بر «عناصر شاه و مردم و روحانیت» شروع شده بود، جز گسترش سلطه بیگانه و افزایش استبداد داخلی ندیده بود، اکنون نهضتی را با تکیه بر «عناصر دین و مردم و روحانیت» در شرف تجربه داشتند.

از امام خمینی در صحیفه نور آمده است: «جمهوری اسلامی

همان ولایت فقیه است ...» ولایت فقیهی که اولین بار به طور نظری توسط مرحوم نراقی، با سلب حاکمیت غیر فقیه در اموری از امور جامعه و حضور مردم مطرح شده و بعدها توسط میرفتاح حسینی مراغی و مرحوم صاحب جواهر و شیخ انصاری کاملتر شده بود، در آستانه اجرا بود. در مورد انتخاب جمهوری به عنوان نوع حکومت بحث بسیار است. فلذا برآن شدم که از منظر لفظی و لغوی و جوه این عبارت و دلایل انتخاب این نام، به جای دیگر گزینه‌های موجود، به خصوص «جمهوری اسلامی» توسط امام خمینی (ره) مورد نظر و توجه قرار دهم. آنچه در جمهوری اسلامی در مورد جمهوریت آن مورد نظر است، جمهوری، به معنای عام آن یکی از انواع حکومت در دنیاست. در جلد اول مشروح مذاکرات مجلس خبرگان بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در مورد اصل اول، مورد بحث قرار گرفتن اضافه کردن کلمه «نوع» در ابتدای این اصل، نشان از مطرح شدن «جمهوری» ای دارد که همان مفهوم عام جمهوری رایج در جهان